



سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
کمیته کردستان

# آیا جنت خانگی بس نیست ؟

صفحه ۲

## زنجیره عملیات قهرمانانه پیشمهرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در منطقه بانه

صفحات ۱۴ و ۱۵

پی حقوقی اکثریت قاطع جمعیت ساکن  
ایران در مقابل استبداد پنی مهار طبقات  
حاکم موجبات آنرا فراهم آورد که  
دمکراسی بمنزله یکی از اساسی ترین  
خواستهای توده های مردم مطرح گردد .  
بقیه در صفحه ۱۰

## دمکراسی

و

## جنبش انقلابی خلق کرد

صفحه ۱۶

صفحه ۲۱

صفحه ۲۷

پیام به حزب دمکرات . . .

در این شماره اخبار جنبش

پاسخ به نامه ها

## آزادی ، استقلال ، حکومت شورایی

## جنگ خاضگی ...

درگیری نظامی حزب دمکرات و کومله همچنان ادامه دارد. اگر درگیریهای قبلی از ششم بهمن سال گذشته سوئتفا همسات منطقه‌ای و بروز اختلافات جزئی این دو سازمان نامید می‌شدند، تهاجم نظامی آگاهانه و سازمان‌یافته بهمن ماه کومله به نیروهای حزب دمکرات در منطقه اورامانات دیگر یک سو تهاجم نبود. طرفین درگیر در این جنگ دائمی تمام عیار را اعلام کرده‌اند و ادامه این جنگ، تماس‌های تهاجم و همزیستی را بران می‌کنند.

قبل از بررسی عوامل اصلی احتمال این جنگ خاضگی و به‌یوم این جنگ تا کنون چه نتایج ناخوشایندی برای طرفین آورده‌اند، آن چه عواقب هولناکی می‌تواند بدنبال داشته باشد.

زیرا این درگیری نظامی تحت هر عنوان و با هر انگیزه و به‌یوم بر هر تحلیلی که باشد، حزب دمکرات و کومله می‌توانند گریبان خود را از دست این سؤال کلیدی خلاص کنند که آیا این درگیری به نفع رژیم فقهیست یا خلیق کرد؟ از آنجا که جنبش خلق کرد، جنبش انقلابی و توده‌ای و دمکراتیک است، اتحاد هر دو جنبه از طرف نیروهای انقلابی در کردستان می‌تواند در چهارچوب و ناداری به این جنبش و توده‌ای آن صورت گیرد.

شدن از این اصل، یعنی در روشن از خاضگی خلق کرد و آب به آسیاب دشمن ریختن یعنی بهای تهمیق جنبش انقلابی و آن را به نفع رژیم فقهی خفه کردن.

ما معتقدیم و نورا تر از نظر ما واقعیت موجود در کردستان نشان می‌دهد که این درگیریها تحت هر انگیزه‌ای که باشد منافع خلق کرد و بنا بر این ضایع کارگران و زحمتکشان ایران را در چشم انداز خود قرار ندهد است. برای اثبات این حقیقت لازم نیست آسمان و زمین با هم برخورد کند، کافی است بطور مشخص اشراکات آنها روی جنبش خلق کرد، آگاهی سیاسی و روحیه دمکراتیک و انقلابی زحمتکشان کردستان و همچنین وضعیت رژیم جمهوری اسلامی در این منطقه شاهد بکنیم.

بعد از آغاز این درگیریها تعداد داوطلبان پیوستن به پیشمرگه‌ها کاهش یافته و در اینجا و آنجا سرخوردگیهایی داده گرفته است. در یارهای مناطق روحیه رزید و توده‌ها تضعیف شده و بعضی‌ها نسبت به پیروزی دراز تردید و دودلی شده‌اند. پاره‌ای می‌گویند نتیجه شش سال مقاومت و مبارزه برای استقلال اصلی چیز بیارزشی است، بجای نگذاشته است تازه اگر خود مختاری را هم بگیریم و گروهی بجان گروه دیگر خواهد افتاد و بچه‌های ما دوزخ قربانی خواهند شد. در اردوی دشمن و در قرارگاههای رژیم چمن برابری است. مزدوران رژیم آزادانه غارتگری

پیشمرگه در ضطقه میگردند و بخاطر درگیری حزب دمکرات و کومله، اینجا و آنجا شیرینی پخش میکنند. در اویش و آخوند های مرتجع فرصت بدست آورده اند و با خیال راحت علیه نیروهای انقلابی سپاشی میکنند و با سوء استفاده از اعتقادات سنتی نرده های مردم، تبلیغات ضد کمونیستی را تشدید کرده اند. عملیات نظامی علیه دشمن بطور چشمگیری کاهش پیدا کرده و قرارگاه های رژیم در امنیت و آسایش بسر میبرند. زیرا نیروهای پیشمرگه بجای مقابله با دشمن، همدیگر را از پای می اندازند. و از آنجا که اکثر پیشمرگه ها جدا از گرایشات سیاسی باید متولذ یک و از خانواده ها، همروستاها، و یا مناطق واحدی هستند، هرکدام پیشمرگه اختلافات خانوادگی، قومی و محلی را دامن میزند و زخمهای التیام ناپذیری ببار میآورد و توده های زجر کشیده خلق کرد را در مقابل هم قرار میدهد. در این میان و در چنین شرایطی تلخی رادیو های و نیروی اصلی جنبش کرد، بجای گزارش عملیات نظامی علیه دشمن خلق کرد و همسه خلقهای ایران، درگیریهایی بین خود را گزارش داده و بجای اشنای جنایات رژیم فقیها، به خط و نشان کشیدن علیه هم مشغولند.

در یک کلام، درگیری نظامی حزب دمکرات و کومله موجب گردیده تا دشمن اینرسی نسبی پیدا کرده و تعرض خود را تشدید کند.

روحیه مقاومت توده های مردم تضعیف شده و توان رزمی پیشمرگه ها به عزز زشته و برادر کی جایگزین جنگ با دشمن شده است! این است آن واقعیت تلخی که هم اکنون در کردستان این در مقاومت انقلاب ایران جاریست. آنها که مقاومت انقلابی توده های خلق کرد را، خواسته یا ناخواسته تضعیف میکنند، پس گمان باید بدانند که یکی از بزرگترین سنگرها در مقاومت کارگران و زحمتکشان ایران را در هم می کوبند. ادامه این وضعیت هوشناک به نفع کیست؟ قاعدتا هم حزب دمکرات و هم کومله باید بدانند که این وضعیت به نفع انقلاب نیست. اما مسئله ای که آنها را گرفتار این جنگ کرده این واقعیت است که هر یک تنها خود را نمائند و خلق کرد میدانند و پس و هر کدام میکوشند اعمال بلاضامن حاکمیت خود را، حاکمیت توده های خلق کرد قلمداد کنند، ریشه مخاصات نظامی اساساً در همین درک انحرافی است.

روشن است که در این میان توده ها فراموش میشوند. بجای اینکه هر سازمان برای پیشبرد برنامه سیاسی خود به آگاهی و اراده توده ها متوسل شود، میکوشد اراده خود را بر این توجه به خواسته های آنها، و گاهی علیرغم خواست آنها، در هر موردی اعمال کند. و طبیعتاً برای این کار خود دلایلی نیز می تراشد. البته پشت ادعاهای مردم و طرف درگیری، حقایق وجود دارد، اما نتایجی که از این حقایق بدست میدهند، وحشتناک است!

کوبله در پشت این اسطوخودوس که حزب دمکرات برای تبلیغ و ترویج آزادانه برنامه او در میان توده ها مانع ترانس می کند و حقوق دمکراتیک مخالفتش را لگت مال میکند بر مبنای بسک تحلیل نادرست و حزب دمکرات را ضد انقلاب و دشمن آتش ناپذیر خود ارضایی میکند و ضائقه جاری خود را با حزب دمکرات ضائقه بین پرولانها و بورژوازی بر سر اعمال حاکمیت تلقی میکند. آقای عبده الله مهتدی در شماره ۱۵ انشیره "کمونیست" میگوید: "۱۰۰۰ از لحاظ مضمون و محور اصلی اختلافات نیز مسئله از تبیین و تحمیل آزادیهای سیاسی و تبلیغات سیاسی به بورژوازی بازگرفته است و در حال حاضر مسئله حاکمیت و تعیین کل مضمون و سیر آن جنبش کردستان و رهبری آن، مسئله محوری و مورد مناقشه بورژوازی و پرولانها است." (تعمیر مسلحانه به کوبله)

همین طور که میبینیم و کوبله خود با نمایندگی پرولانها و حزب دمکرات را نمایندگی بورژوازی خلق کرد میداند. ما با نظر کوبله در مورد ماهیت طبقاتی خودش و حزب دمکرات موافق نیستیم ولی برداشتن به این مسئله را در این مقاله نذیر از موضوع میدانیم. کدالتی در مجال دیگری باید به این بحث پرداخته شود. اما بر فرض هم که تحلیل کوبله در باره ماهیت طبقاتی حزب دمکرات درست باشد و باز نمیتواند نتیجه گرفت که حزب دمکرات در

شرایط کوروش یک سرری شده انقلابی و دشمن آتش ناپذیر پرولانها است. زیرا آنچه در شرایط کنونی در جنبش دمکراتیک و انقلابی کرد عهد است و بر سایر جبهه ها نیز غلبه دارد و مسئله این است. حقیقت اینست که امروزه در کردستان اکثریت قاطع مردم برای احقاق حقوق دمکراتیک خود میجنگد و رژیم جمهری سلاخی برای در هم شکستن همین مبارزه دمکراتیک است که با تمام قوا کردستان را محاصره کرده و توده های زحمتکش کرد را کشتار میکنند. غلبه خلعت ملی و دمکراتیک جنبش موجب میشود که اکثریت مردم با تعلقات طبقاتی متفاوت و کشت و ظرفیت شرکت در این مبارزه را پیدا کنند. در چنین وضعیتی و هر کس که خود را کمونیست میداند و میاید برای گسترش و تحکیم مبارزه و پیشبرد برنامه اش سو در کردستان حق تعیین سرنوشت خلق کرد ضرورتاً در اس چنین برنامه ای است. از شرکت نیروهای غیر کمونیست در مبارزه استقبال کند و ماده ام کسه این ظرفیت در آنها باقی نیست میباید سیاست همکاری و همسویی و ائتلاف با آنها را در پیش بگیرد. مبارزه ملی خلق کرد برای حق تعیین سرنوشت نه فقط از مبارزه طبقاتی جدا نیست بلکه خود به مترادف است برای رشد و تعمیق آن. به کمک هیچ تحلیل طبقاتی نمیتوان نیرو همین را که برای گسترش و تحکیم یک جنبش دمکراتیک و انقلابی و برای حقوق دمکراتیک خلق کرد هیچگونه دشمنی قلمداد کرد. کوبله

اگر حزب دمکرات را نیروی اصلی مقابست در  
کردستان نداند و قاعدتا خدا نل باید قبول  
داشته باشد که این حزب یکی از نیروهای  
اصلی درگیر با رژیم جمهوری اسلامی است .  
این حزب گذشته از سابقه طولانی مبارزه  
۹ کون شش سال است که برای حفظ و گسترش  
جنبش دمکراتیک و انقلابی در کردستان با  
رژیم قبا سی جنگ با این وجود چگونگی  
میتوان این حزب را ضد انقلاب و دشمن آشتی  
ناید بر تلقی کرد ؟

نقاص صیبت با زمین پیشی برای  
خلی کرد کاملاً روشن است . بجای مقابله همه  
نیروها با رژیم جمهوری اسلامی ، چنین پیشی  
جنگ خانگی را سازمان خواهد داد . وقتی  
کومله حزب دمکرات را ضد انقلاب و دشمن  
آشتی ناید بر میدارد و آنرا تبلیغ و ترویج  
میکند ، در واقع به این حزب اعلان جنگ  
میدهد . تبلیغ و ترویج این نظریه در حقیقت  
سازمان دادن برادر کسی است در کردستان ؛  
اگر کومله بخواهد این نظریه را همچنان حفظ  
کند ، در صورت حصول یک آتش بس نیز نیرو  
های دو طرف در حالت " صلح مسلح " خواهند  
بود ، و در بهانه کوچکی موجب خواهد شد  
که دوباره جنگ خانگی از سر گرفته شود . و  
چنین چیزی نه به نفع بزرگوار است ، نه به

نفع دمکراسی و انقلاب . درد آن به چشم  
توده ها و سود آن بجهت خینی میرود !  
اما بر فراز وقایع بسیار تلخ تا کنونی ،  
کومله آمادگی خود را برای یک آتش بس پس  
قید و شرط و مذاکره برای رفع اختلافات اعلام  
کرده است . بنظر ما این حرکت مثبتی است که  
حزب دمکرات باید از آن استقبال میکرد .  
مطابق حزب دمکرات در پاسخ به این اعلام  
آمادگی کومله برای آتش بس ، شروط را پیشنهاد  
کرده که جز یک مورد آن - ماده دوم - بقیه  
غیر دمکراتیک بوده و قابل پذیرش نیست . حزب  
دمکرات در شماره ۱۰۲ بولتن خبری خسود  
پذیرش آتش بس را شرط به شرط زیر کرده است :  
" (۱) - کومله باید رسماً و علناً حزب دمکرات  
کردستان ایران را بعنوان نیروی اصلی انقلاب  
پشناسد . (۲) - کومله باید رسماً و علناً در مقابل  
همه سازمانهای مرفق موجود در کردستان و  
در مقابل توده های مردم کردستان ، تمهید  
شمارد که هرگز فاجعه ششم بهمن ماه را تکرار  
نخواهد کرد . (۳) - کومله واقعا طرفدار دمکرا  
سی است ، چون در کردستان اقلیت ناپیوستی  
را تشکیل میدهد ، باید از اراده اکثریت  
تبعیبت نماید . "

ترویجی نیست که تکرار فاجعه ششم بهمن  
از جانب هر نیروی که صورت بگیرد کاملاً محکم

خود مختاری برای خلق کرد ، دمکراسی توده ای برای ایران

است و تردیدی نیست که کوبله باید (بعد از برقراری آتش بسوی قید و شرط بین دو نیرو و در جریان مذاکره برای حل اختلافات فی مابین) متعهد شود که ششم بهمن دیگری تیار فرزند اما در عین حال حزب دمکرات باید بپذیرد که در پاسخ به هر درگیری موضعی (که ممکن است در نتیجه بروز یک اختلاف کوچک محلی بین نیروهای دو سازمان و بدون اطلاع و اجازه رهبری آنها بوجود آید) جنگ را سراسری نکند و واگش سراسری به درگیریهای موضعی ناخواسته نه تنها مسئله ای را حل نمیکند، بلکه زمینه های جنگ خانگی را تقویت میکند.

و اما حزب دمکرات با شرط اول خود، در واقع آزادی عقیده و آزادی بیان (یا تبلیغ و ترویج) آنها از کوبله میگیرد. آزادیهایی که مخالفان حق استفاده از آنها ندارند. باشند و در روی بین نیست. کوبله حق ندارد هر تحلیل و نظری را که درباره حزب دمکرات، اوضاع و احوال گردستان و نیروهای موجود در آن دارد، کاملاً آزادانه تبلیغ و ترویج کند. تردیدی نیست که هر آزادی در چهار چوب معینی میتواند معنی پیدا کند. و هیچکس نباید آزادی تبلیغ و ترویج نظرات مخالف را با آزادی تبلیغ و ترویج جنگ افزروزی میان نیروهای مقاومت خلق کرده یکی بگردد. درست است که کوبله باید از تبلیغات دشمنانه علیه حزب دمکرات (یعنی تبلیغاتی که حزب

دمکرات را ضد انقلاب و دشمن آشتی ناپذیر زحمتکشان کرد و ۰۰۰ قلمداد میکند و عملاً زمینه درگیریهای نظامی میان دو سازمان را فراهم میآورد) اجتناب کند، اما حق دارد حزب دمکرات را بهر طبقه ای که میخواهد ضمتب کند و همچنین حق دارد که آنها یک "نیروی اصیل انقلاب" نداند. درست است یا نه درستی نظراین و آن را تنها از طریق یک مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک اصولی در چهار چوب جنبش دمکراتیک خلق کرد میتوان نشان داد و نه از طریق لوله تفنگ.

شرط سوم حزب دمکرات نیز کاملاً مبهم است. درست است که دمکراسی ایجاب میکند که اقلیت ضمن داشتن حق موجودیت و آزادی تبلیغ و ترویج مواضع خود، در مسائل اجرایی آراء اکثریت مردم را بپذیرد، ولی بدون معین شدن یک روال روشن عملی برای شناختن اقلیت و اکثریت، این مفاهیم معنای روشنی نخواهند داشت. مثلاً اکثریت داشتن در مقیاس سراسری گردستان، ضرورتاً بمعنای اکثریت داشتن در تک تک مناطق گردستان نیست. دمکراسی ایجاب میکند که هر نیروی در هر منطقه که اکثریت داشته باشد، بصرحظر از اینکه در مقیاس سراسری گردستان اکثریت محسوب میشود یا اقلیت، در آن منطقه معین اکثریت محسوب شود. و همچنین اکثریت داشتن یک امر ابدی و دائمی نیست. نیرویی که امروز اکثریت محسوب میشود، ممکن است فردا بفاظر

روگردانی مردم در اقلیت محض قرار گیرد .  
 بنا بر این بایستی یک روزان روشن عقلی برای  
 نه‌میدن آراء و نظرات ساکنین هر منطقه وجود  
 داشته باشند و باین ترتیب همه نیروها باید  
 در مسائل اجرایی مربوط به هر منطقه به آراء  
 اکثریت ساکنین آن منطقه معین گردن بگذارند .  
 آنچه در هفت سال گذشته کردستان را  
 به در مقاومت انقلاب ایران در برابر رژیم ولایت  
 فقیه تبدیل کرده ، اولاً مقاومت قاطع و بسی  
 انقطاع جنبش خلق کرد در برابر رژیم ارتجاعی  
 جمهوری اسلامی بوده است و ثانیاً پایداری  
 این جنبش به الزامات دموکراسی و این دو چیز  
 در تمام مدت سال گذشته مایه درخشش جنبش  
 خلق کرد بوده و ابتکار عمومی پیشرو را در  
 سراسر کشور به تحسین و حمایت از آن راداد  
 شده است . در تمام این مدت اگر در سایر  
 نقاط ایران صدای مخالف رژیم را بوسیله  
 دسته های چاق‌قادر حزب اللهی خاصشوش  
 میکرده اند و یا زبان مخالفان را از حلقوشان  
 بیرون میکشیده اند ، در کردستان در حالیکه  
 همه مسلح بوده اند ، هر کس می‌توانسته نظر  
 خود را با آزادی قایل توجیهی بیان کند .  
 متأسفانه اینک بنظر میرسد که دوندی و عده  
 جنبش خلق کرد ( حزب دمکرات و کومله )  
 خواسته یا ناخواسته ، این عوامل شکوفایی و  
 قوام جنبش را دارند عملاً از بین می‌برند . جنگ  
 خانگی نه تنها مقاومت کردستان را در برابر  
 رژیم ولایت فقیه در هم می‌شکند ، بلکه

آرمانهای دموکراسی انقلابی را نیز کسه در  
 کردستان جایگیر شده ، بنا بودی میکشاند .  
 تنها با کردن گذاشتن به اصول دموکراسی  
 میتوان جنبش خلق کرد را از مسیر فاجعه باری  
 که اینک در آن افتاده ، خارج ساخت . جنبشی  
 که در هفت سال گذشته در کردستان جریان  
 داشته ، جنبشی است دمکراتیک و انقلابی که  
 در برابر خود کامگی و ستمگری و تاریک اندیشی  
 رژیم ولایت فقیه از آرمانهای مردم ایران در انقلاب  
 بهمن دفاع میکند . در عین حال شعار محوری  
 این جنبش حق تعیین سرنوشت ملی برای خلق  
 کرد بوده است . گرچه برای پیشبرد این شعار  
 نیروهای طبقات مختلف مبارزه میکند ، ولی این  
 شعار مانع مبارزه این طبقات با همدیگر نیست .  
 بلکه برعکس برای مبارزه طبقات با همدیگر بستر  
 مناسب بوجود می‌آورد و طبعاً آگاهی ، اراده  
 و تشکل طبقاتی کارگران و زحمتکشان کردستان  
 را ارتقا میبخشد . بنا بر این برای آنکه جنبش  
 دمکراتیک و انقلابی خلق کرد در هم نشکند و  
 این شعار محوری که تا کنون بستر مناسبی  
 برای مبارزه طبقات نیز بوده است ، نباید  
 نادیده گرفته شود . و در نیروی مانم کسه  
 با اهداف دمکراتیک این جنبش پای بند است و  
 در راه پیشبرد آنها جنگ و نباید دشمن  
 تلقی کرد . اختلافات نیروهای مختلف جنبش  
 ضرورتاً باید از طریق مبارزات ایدئولوژیک  
 سیاسی و مذاکرات تقاضای آسز حل و فصل گردد  
 و اینهمه بدین پایداری به قواعد دمکراتیک

میکرده اند . با پذیرش راه حل دمکراتیک ، این ضشاء در گریه‌ها را میتوان از بین برد . راه حل دمکراتیک را ، حل پیچیده و تودرتو نیست بلکه بسیار ساده است و آن عبارتست از گردن گذاشتن به آراء اکثریت ساکنین هر منطقه در حل و فصل مسائل اجرایی آن منطقه معین . برای معلوم ساختن آراء اکثریت میتوان در مناطق آزاد شده بطور علنی و در مناطق تحت اشغال دشمن بطور مخفی ، اقدام کرد . همین رای گیریها میتواند منهای دمکراتیکی برای شوراهای محلی بوجود آورد . تردیدی نیست که این اصل بدون اصل تضمین آزادیها ، دمکراتیک برای تبلیغ و ترویج نظرات مخالف و ارزش زیادی نخواهد داشت و هر رای گیری از مردم صرفاً به معنای پرسیدن " نظر موافق شما چیست ؟ " خواهد بود .

اصل دوم ، پایان دادن به تبلیغات خصمانه است . حقیقت این است که تهریف تبلیغات خصمانه کار چندان آسانی نیست و اگر طرفین قصد تبخّل یگدیگر را نداشته باشند ، تقریباً ناممکن است . اما در صورتیکه هر دو سازمان نیازها و الزامات مرحله کنونی جنبش را دریابند مسلماً میتوان تهریف را به نفع روشنی از این مفهوم بدست داد . به نظر ساء تبلیغات خصمانه تبلیغاتی است که طرف مقابل را دشمن جنبش دمکراتیک خلق کرد قلمداد میکند بنا بر این صرف نظر از اینکه هر یک از طرفین چه از زبان طبقاتی و سیاسی از طرف

بدون گردن گذاشتن به آراء اکثریت مردم و بدون احترام به آزادیهای مخالفان و قنابلی تصور نیست .

### راه حل چیست ؟

در گام نخست و بیشتر از هر چیز برقراری آتش بسبی قید و شرط و پایان دادن به برادر کتی و جنگ خانگی ، ضرورتی است اجتناب ناپذیر ، که ظفره رفتن از آن امر این جنگ کثیف خانگی را طولانی تر میکند و زخمهایی را بوجود میآورد که التیام ناپذیر ترند . برقراری آتش بس ، تشنجات موجود را کاهش میدهد و فضای مساعد لازم برای مذاکرات همه جانبه را فراهم میکند .

اما مذاکرات بدون پذیرش سه اصل زیر از سوی هر دو طرف درگیر به موفقیت نخواهد رسید . اول - گردن گذاشتن به آراء اکثریت ساکنین هر منطقه در حل و فصل مسائل اجرایی آن منطقه معین و دوم - پایان دادن به تبلیغات خصمانه که طرف مقابل را دشمن قلمداد میکند و سوم - تضمین آزادیهای دمکراتیک برای تبلیغ و ترویج نظرات مخالف . یکی از علل اصلی درگیری در رایسن چند ساله ، برتری طلبی غیر دمکراتیک یکس از همین دو نیروی عمده ، جنبش کرد بوده است . هر کدام از آنها اراده سازمان خود را جایگزین اراده مردم نمیکند ! شته اند و هر کدام به شیوه خاص خود به آراء مردم توجهی



بلکه یکی از شرایط بنا به دوام و تحکیم این جنبش است. از این طریق است که میتوان به تعمیق دموکراسی و انقلاب امیدوار بود.

پریایه سه اصل یاد شده میتوان روابط نیروهای جنبش خلق کرد را بنحوی دموکراتیک تنظیم نمود و عوامل بوجود آورنده جنگ خانگی را از بین برد. ما از هر دو نیرو دعوت میکنیم که بر این مبنا به بازسازی روابط سیاسی بینم برآیند و نگذارند زخمهایی که در نتیجه برادر کسی بوجود آمده اند پیش از این عیب تر شوند. و از همه سازمانها و محافل و شخصیتهای انقلابی و ترقی خواه میخواهیم که برای پایان دادن به این جنگ فاجعه بار فعالانه مداخله کنند و به طرفین درگیری کمک کنند تا بیک پایه دموکراتیک روابطی پایین خودشان را تنظیم نمایند.

(بمنقل از "راه کارگر" ارگن سیاسی سازمان سا ۱)

مقابل داده و نیاید او را در مرحله کنونی مبارزه دشمن خود قلمداد کند. زیرا چنین چیزی بر هر تحلیل و نظری که مبتنی باشد چیزی جز فراهم آوردن مقدمات جنگ خانگی و تدارک برای آن نیست.

اصل سوم و تضمین آزادیهای دموکراتیک برای تبلیغ و ترویج نظرات مخالف است. این اصل هیچ تازگی ندارد و در هفت سال گذشته جز در پاره ای موارد استثنایی و در کردستان مراعات نشده است. و در حقیقت یکی از دستاوردهای گرانبهای جنبش خلق کرد است که به قیمت قهر گرسنگی و شهادت و زندان و شکنجه نوزده تن قهرمان کردستان و سراسر ایران بدست آمده و هیچ نیروی حق ندارد آنرا لنگه مال کند. آزادی عقاید مختلف و مخالف و آزاد. تبلیغ و ترویج آنها نه تنها برای جنبش انقلابی و دموکراتیک خطر ندارد

### دموکراسی . . .

••• بابت با مسم کردن فضای دموکراسی و زمینه سازی برای برخورد های غیردموکراتیکه تنها خود دچار لطماتی شدند بلکه متناسب با پایگاه توده ای و برخورد های ناسالمنان به دموکراسی و انقلاب لطمه وارد آوردند. هر چند همین فضای دموکراتیک بود که این امکان را فراهم آورد که چنین سیاستها ئی از طرف مردم شناخته و تاحدودی مقرر شوند و از این طریق توده های مردم توانستند

تاحدود زیادی بر روی نیروهای سیاسی تاثیرات متقابل و مثبت مهم خود را بر جای بگذارند. برای خلق کرد دموکراسی همواره از اهم مسائل جنبش و انقلاب بوده و همواره در جهت تعمیق و رشد آگاهیه های توده ای نقش اساسی ایفا نموده. بکوشیم از دموکراسی با تمام وجود و با دقت هر چه تاملتر دفاع کنیم و رگ گردن و برق شمشیر را جایگزین منطق ننمائیم، تا بدین ترتیب از جنبش خلق کرد و از انقلاب ایران دفاع کرده باشیم.

## دمکراسی و ...

۱۰۰۰ انقلاب همگانی سال ۵۷ نتوانست  
 پسه این خواست توده ها جامعه عمل  
 پیونانند . جبرا که این انقلاب رژی را  
 بر سر کار آورد که جز سرکوب انقلاب و  
 باطبع سرکوب آزاد یه های دمکراتیک وظیفه  
 ای در پیش رو نداشت . این رژیم که  
 مبنای تئوریک قدرت سیاسی خود را  
 " ولایت فقیه " قرار داد و بر این مبنای  
 حق حاکمیت را نه از آن توده های مردم بلکه  
 از آن اراده های آسمانی میدانند که " فقیه "  
 مفسر آن اراده در جامعه است و از همان  
 آغاز بر سر کار آمدنش عملاً جز در سر  
 کوب آزاد یه های دمکراتیک و بسط اقتصاد  
 نامشروط و نامحدود خویش نکوشید . بنا بر  
 این مقاومت انقلاب علیه رژیم ضد انقلاب پس و  
 ضد دمکراتیک نقیبا که اغمار گسیخته حقوق  
 حقه توده ها را مردم را لگه مال من نمود  
 نمیتوانست بنمورد و اشکال گوناگون به پا شد  
 یی ضعف و ضمن دفاع از آزادی یه های دمکراسی  
 اتیک را در بر نداشته باشد . خلق کرد نیز  
 که از همان آغاز با دفاع قاطع از یکسانی از  
 اصول پایه ای دمکراسی یعنی حق ملل  
 در تعیین سرنوشت خویش در شکل مشخص  
 خود اختیاری و دیگری مستقیم بین انواع

از انقلاب در مقابل یورش و حشیانه ضد  
 انقلاب حاکم ایجاد نموده بود و از این  
 قاعده مستثنی نبود و نیست . این بدان معنا  
 است که یکی از اهداف اساسی و تفکیک  
 ناپذیر انقلاب برای خلق کرد نیز  
 همچون سایر خلقهای ایران ، ایران را در برابر  
 دمکراسی است .

اما تنها شناخت و قبول دمکراسی  
 بعنوان یکی از اهداف اساسی انقلاب و  
 برای خلق کرد و سایر خلقهای ملکن  
 ایران و کافی نیست . باید الزامات استقرار  
 دمکراسی را بدرست ارزیابی کرد و در جهت  
 آن گامهای موثر و اساسی برداشت .

دمکراسی که معنی لغوی آن عبارتست  
 از حکومت مردم بر مردم مقدماً با آزادیهای  
 سیاسی و یعنی آزادی قلم و بیان و عقیده و  
 آزادی ملل برای تعیین سرنوشت و براسبری  
 زن و مرد و امثال اینها و بدون توجه به نژاد  
 و ملیت و مفهوم میباید . برای دمکرات بسزیدن  
 البته مهم و ضروری است که به این اصول باور  
 داشت و انتقاد به آنها اعتراض نمود . اما  
 کافی نیست . باید در بسط تئوریک و بهره در  
 عمل نیز به این اصول پایبند بود .

حرکت از این نقطه نظر درست که حاکمیت  
 مردم بر مردم و از آنجا که لزوماً همه مردم  
 دارای عقاید و منافع واحد و یکسانی نیستند  
 عبارتست از حکومت اکثریت مردم و وقتی به  
 این نتیجه نرسد دست منتهی گردد که با دشمن

بلکه تناقضهای عمیق و واقعاً موجود اقتصادی را محرومان بودی سازد، دفاع از هیمن دمکراسی ناقص بورژوازی مقدمتاً ضروری اجتناب ناپذیر و الزامی است. هر نیروی طمعسی ایدئولوژی اکثریت شود، اما همانکه امروزه عبارت است از ایدئولوژی طبقه کارگر - صرفنظر از اینکه تا چه حد ادعایش با ایدئولوژی طبقه کارگر همخوانی دارد، ابتدا باید بتواند این ایدئولوژی را به یک نیروی مادی تبدیل نماید و این بدان معنی است که اکثریت واقعی بوده و هارا حول آن سازماندهی نماید. و این امکانپذیر نیست جز از طریق دفاع بیگیر از دمکراسی بطور اعم. پرولتاریا دمکراسی بورژوازی را میخواهد، چیزی بیش از آن میخواهد. چرا که آنرا کافی نمیداند. واقعیت هم آنست که دفاع از دمکراسی بورژوازی و دفاع از خود بورژوازی نیست بلکه بالعکس دفاع از طبقه کارگر است. چرا که حتی همین دمکراسی ناقص بورژوازی بیش از هر طبقه به نفع طبقه کارگر است و طبقه کارگر بیش از هر طبقه به این دمکراسی برای رسیدن به دمکراسی واقعی احتیاج دارد.

اما از طرف دیگر واجد اکثریت بودن واقعی در جامعه نیز نمیتواند دلیل مرجعی

ایدئولوژی اکثریت و بدون توجه به باورداشت های واقعاً موجود اکثریت توده های امالی میتوان - و از آن بدتر میبایست - بر جامعه حکومت رانده و بیش از هر چیز بیانگر درک نادرست و مخدوش و حتی عدم اعتقاد کامل به دمکراسی است.

توده یی نیست که پسیری از آزادیهای دمکراتیکی که فوقاً بر سر سر از دست آورد های تاریخی بورژوازی است. و امروزه با نام دمکراسی بورژوازی از آن یاد میشود. گرچه مستگیری برای نفعی نظام بورژوازی یکی دیگر از اهداف اساسی و به عبارت درست تر مهم ترین و بیاپه ای ترین هدف انقلاب ایران است. اما به بهانه بورژوازی بودن آزادیهای اولیه شهرزندان سیاسی و تحت این عنوان که این آزادیها از حقه های بورژوازی است نمیتوان و نباید آنرا طرد نمود. این درست است که دمکراسی بورژوازی هر فرد را صرفنظر از جایگاه طبقاتی او برخوردار از حقوقی سیاسی برابر با دیگر افراد اعلامی کند و بدین ترتیب هر نوع نابرابریهای طبقاتی واقعی ناشی از روابط تولیدی بهره کشانه را نادیده میگیرد، اما برای دستیابی به دمکراسی امروزی و یعنی دمکراسی واقعی که نه تنها تناقضهای سیاسی

خودمختاری حق مسلم خلق گروا است

با تمایز و تفاسیر گوناگون نمیتوان و نباید  
 موجبات برخورد های غیر دموکراتیک را فراهم  
 آورد و یا برخورد های غیر دموکراتیک را توجیه  
 نمود. مثلاً در صفت انقلاب، در صفت دفاع از  
 دموکراسی و آزادی نمیتوان و نباید با تفاسیر  
 و تمایز گوناگون و برجسته ضد انقلاب زد ن  
 بر دیگران عملاً برخورد های غیر دموکراتیک را به  
 شکل از اشکال تزیین و اشاعه داد و از آن بهر  
 در حرف یا در عمل، دیگران را مورد تهاجم یا  
 تهدید به برخورد های غیر دموکراتیک به شکل  
 نمود. چنین برخوردی عمدتاً از حیثیت قائل  
 شدن برای ایدئولوژی - و نه برای مردم - اثر  
 برخورد با دیگران شروع میکند و عملاً بجای  
 مراجعه به آراء عمومی برخورد نریزی را تجویز  
 می کند و توده های مردم را واجد اراده تا به زنده  
 ایدئولوژی این یا آن نیرو تبدیل شوند.  
 از طرف دیگر حکومت کردن آگاهانی  
 میخواهد اعتقاد به حاکمیت مردم و طلب  
 آگاهی برای مردم را اقتضا میکند. توده های  
 مردم نیز در جریان برخورد های آگاهانه و  
 آزادانه نیروهای سیاسی آگاهی کسب میکنند و  
 این امکان را می یابند که آزادانه و آگاهانه  
 راه خود را انتخاب کنند و حاکمیت خود را  
 تحکم بخشند. بنابراین هر سدی پهر شکل  
 که در مقابل دموکراسی ایجاد شود معنایی  
 جز ایستادگی در مقابل مردم و بالمال متبایب  
 با بلندی و گستردگی این سدا ایستادگی در  
 مقابل انقلاب نخواهد داشت. چرا که تنها بر

بر عدم رعایت حقوق اقلیت وحشی هر فرد گردد  
 چرا که عمده اکثریتی میتواند در طی پیروسی  
 عملکرد نادرست خود یا به اثبات رسیدن  
 درستی نظرات اقلیت برای توده های مردم و  
 خود تبدیل به اقلیت گردد. بنا بر این این  
 حق هراتلیتی است که برای داشتن عقیده و  
 ابراز کنی یا شنای آن و تلاش برای تبدیل  
 کردن باورده اشتباهی خود به باورده اشتباهی  
 اکثر مردم و در مقابل استبداد و زورگویی  
 های استبداد ایستادگی و از حقوق حقه خویش  
 دفاع نماید. برای حفظ و دفاع از دموکراسی و  
 در موضع و جای اکثریت نیز باید اصل آنرا  
 رعایت نمود. نظراً مخالف را هر چند که  
 ضعیف و نادرست باشد باید تحمل نمود و در  
 عین حال در مقابل هر برخوردی که بهر  
 دموکراسی لطمه وارد آورد ایستادگی نمود برای  
 اینکه کار نه از موضع قدرت که باید از موضع دفاع  
 اثر دموکراسی و اصل پایه ای آن را در میدان  
 گردید. دموکراسی یعنی آزادیها، سیاسی  
 و عدالتی، باید برای تالی توده ها راه امانی  
 به پیمان برقرار گردد و همه از مزایای آن  
 به تناسب برخوردار گردند.

طبیعی است که برای نیروهاییکه  
 توده های مردم در راهی خود (قیام) آنها را  
 طرف کرده و یا عملاً در مقابله رود در آنها  
 ایستادماند ( رژیم سلطنتی و جمهوری -  
 اسلامی) ندارد. اما باید توجه داشت که  
 یا خدوش نمودن صفت انقلاب و ضد انقلاب

خلق کرد که بدلیل مجموعه شرایط تاریخی، اجتماعی و اقتصادی از آگاهیهای سیاسی بسیار کمتری نسبت به بسیاری دیگر ضابطق ایران برخوردار بود، طی مدت کوتاهی توانست در این فضای دمکراتیک آگاهیهای وسیع سیاسی کسب نماید. چنانکه اکنون پس از گذشت بیش از شش سال از آغاز جنبش مسلحانه خلق کرد میتوان بچرات گفت که خلق کرد یکی از خلقهای آگاه ایران است.

اما این تنها یک روی سکه است. با یک نگاه گذرا به تاریخچه همین جنبش میتوان موارد متعددی را بر شمره که از طرف برخی نیروهای فعال در این جنبش انقلابی - اعم از نیروهای بزرگ یا کوچک - برخوردار هسای غیر دمکراتیکی صورت گرفته که تأثیرات نامطلوبی نیز در روحیه توده های مردم و نظر انسان نسبت به انقلاب و همچنین بر رابطه نیروهای انقلابی بر جای گذاشته. این تردید برخوردار های د م تر این میتواندست تأثیرات هر چه مثبت تری بر روحیه توده های مردم و رشد هر چه آگاهیههای آنها و همچنین بهبود مناسبات نیروهای ضرق و انقلابی بر جای بگذارد و بدین ترتیب صفوف انقلاب را در مقابل ضد انقلاب حاکم هر چه متراکم و مستحکم تر نماید. از سوی دیگر نیز برخی از نیروها از همین فضای دمکراتیک در جهت جووشایعه سازی و برخورد های ناسالم استفاده کرده و از این بقمه در صفحه ۹

مردم نا آگه میتوان استبداد روا داشت و هر کس با سد کردن دمکراسی عملاً بسسه نا آگاهی توده ها داین می زند و بطور متقابل استبداد را جایگزین می نماید. دمکراسی یکی از اساسی ترین اهداف انقلاب و تفنگسگای برای رشد آگاهیههای توده های مردم و کردستان نمونه برجسته ای از این واقعیت است.

خلق کرد از همان زمان که رژیم ضحوس شاهنشاهی سرنگن گردید با طرح خواست دمکراتیک خویش مبنی بر تحقق حکومت خود مختار برای خلق کرد در مقابل ضد انقلاب تازه به قدرت رسید ه ایستاد. رژیم فقها نیز که حقانیت خویش را نه از آرای مردم کسه از ایدئولوژی خویش می گرفت از همان آغاز پورش خود را به کردستان و برای درهم کوبی این خواست دمکراتیک و برای درهم شکستن انقلاب و دمکراسی و برای استقرار حاکمیت استبداد نقاهتی خویش بصور گوناگون آغاز نمود. این حق خلق کرد بود که از همان آغاز دست به سلاح برد و در مقابل سیاستهای ضد دمکراتیک و ضد انقلابی رژیم دست به مقاومتی قهرمانانه زد. این مقاومت قهرمانانه توده های زمینیه های مساعدی را برای گسترش فضای دمکراتیک و برخورد های فعال و همه جانبه نیروهای سیاسی فرا عم آورد. همین فضای دمکراتیک موجب رشد انقلاب و تضعیف ضد انقلاب در صفوف خلق کرد گردید.

## حمله به پایگاه "بانی کاوران"

در تاریخ ۲۰/۴/۶۴ یک دسته از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در پی شناسایی کامل پایگاه "بانی کاوران" در ضطقه پانه، خود را به نزدیکترین نقطه ایمن پایگاه رساندند. این پایگاه در بین سه پایگاه ضطقه واقع شده و پیشمرگان پس از استقرار در نزدیکی پایگاه، در ساعت ۸ و ۲۵ دقیقه بدستور فرمانده عملیات و با شلیک اولین موشک آر.بی.بی. جی و رگبار همزمان سلاحهای مختلف، حمله خود را آغاز کردند. در مرحله اول عملیات، یکی از موشک های آر.بی.بی. جی به سنگر اجتماعی مزدوران اصابت کرد و انفجار دیگری در پایگاه رخ داد. رگبار بی امان مسلسلهای پیشمرگان، مزدوران پایگاه را از هر گونه عکس العمل بازداشتند.

پیشمرگان برای گشودن آتش گسترده تر بر روی پایگاه، موقتاً دست به عقب نشینی زد و سپس از آرایش مجدد، مرحله دوم عملیات را سرعاً آغاز نمود و پایگاه را به زیر آتش تند و مداوم سلاح های خود گرفتند. در این هنگام، مزدوران مستقر در پایگاه با انواع سلاح های خود، نظیر خمپاره و آر.بی.بی. جی و دوشکا و قاسم و سنگرهای پیشمرگان را به زیر آتش خود گرفتند. پایگاه های "برده سور" و "برده دویل" و "برده بان" که در مجاورت این پایگاه قرار دارند، برای کمک به مزدوران مستقر در آن، ضطقه را به زیر آتش خمپاره خود گرفته بودند اما پیشمرگان هم چنان به تصرف خود ادامه دادند.

پس از پایان عملیات که ۴۰ دقیقه بطول انجامید، پیشمرگان بطور منظم عقب نشینی کرده و به نقاط از پیش تعیین شده رفتند.

در این عملیات یکی از پیشمرگان در اثر اصابت گلوله مجروح گردید که حال وی خوب است و خمپاره باران ضطقه توسط مزدوران پایگاه ها نیز خوشبختانه آسیبی به مردم وارد نکرد. از میزان تلفات و خسارات دشمن در این عملیات، اطلاع دقیقی در دست نیست.

سزنگین بادی رژیم جمهوری اسلامی ایران!

پرتو بادی جمهوری دموکراتیک توده ای!

پیروز بادی مبارزات عادلانه خلق کسرتار!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

## مبنی گذاری در منطقه پانه

بیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و بیشمرگان چریکهای فدایی خلق ایران (ارتش راهائیبخش خلقهای ایران) به یک سلسله مبنی گذاری مشترک در منطقه پانه دست زدند که در اثر انفجار این مبنی ها و دوتن از مزدوران جمهوری اسلامی بهلاکت رسید و یک تراکتور تدارکات دشمن از کار افتاد.

دو عدد از مبنی ها که در سنگرهای اجتماعی مزدوران تأمین پایگاه " سربرد " کار گذاشته شده بود در تاریخ ۶۴/۳/۲۵ در زیر پای دوتن از مزدوران و منفجر گردید و هر دو را بهلاکت رسانید.

دو عدد مبنی تقویت شده و نیز که در جاده پایگاه سربرد - آرمود کار گذاشته شده بود در تاریخ ۶۴/۳/۲۶ همزمان در زیر یک تراکتور تدارکات دشمن منفجر گردید و آنرا از کار انداخت.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۶۴/۴/۲۰

## انفجار مبنی

در تاریخ ۶۴/۴/۱۹ یک دسته از بیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به همراه دسته‌ای از بیشمرگان چریکهای فدایی خلق ایران و در جاده پایگاه سربرد - آرمود دست به یک رشته مبنی گذاری زدند.

در تاریخ ۶۴/۴/۲۰ یک مبنی ضد تانک در زیر یک دستگاه بولدوزر که در حال تعمیر و بهین کردن جاده بود منفجر شد که موجب انهدام آن گردید.

در تاریخ ۶۴/۴/۲۱ یک ماشین توپوشای دشمن بر روی یک مبنی ضد تانک دیسگرغت که در اثر انفجار این مبنی و ماشین توپوشا بکلی ضعیف و کلیه سرنشینان آن کشته و زخمی شدند.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۶۴/۴/۲۱

پیام سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان به  
حزب دمکرات کردستان ایران بناسبت شهادت کاک کریم علیار و سه تن از همزمانانش •

با رد دیگر رژیم جنایتکار خمینی در پی ضربات مکرری که پسر بیکر نیروهایش  
در کردستان قهرمان وارد آمده است، و بجبران شکستهای خود دست بسته  
بیروشهایی به برخی از مناطق کردستان زده است • پی گمان این بار نیز مقاومت  
قهرمانانه پیشمرگان یک بار دیگر نقشه های جنایتکارانه این رژیم ارتجاعی را  
نقض برآب کرده و خلق قهرمان کرد اینبار نیز پیروز شد از بسوتنه آزمایش  
بیسرون خواهد آمد •

شهادت کاک کریم علیار عضو کمیته مرکزی و فرمانده نظامی حزب دمکرات  
کردستان ایران و سه تن از همزمانانش که طی یک مقاومت قهرمانانه در منطقه پاتنه  
جان خود را از دست دادند مایه تأسفقتامی نیروهای انقلابی و مردمی  
ایران است • شهادت این فرزندان قهرمان کردستان نشان دیگریست از مقاومت  
های قهرمانانه پیشمرگان کردستان که همیشه در برابر بیروشهای دشمن فاشیستی مردانه  
ایستاده اند •

خلق قهرمان کرد هیچگاه یاسد و تمام شهدا، این فرزندان راستین خود را  
پنهاموشی نخواهد سپرد و خاطره قهرمانیهایشان تسوان د و چندان برای مقابله  
با دشمن فاشیست و یس، پیشمرگان و مردم قهرمان کردستان خواهد داد •  
ما شهادت این فرزندان قهرمان کردستان را به خلق قهرمان کرده  
حزب دمکرات کردستان ایران، همزمان این شهدا و خانواده های آنها  
تسلیم گشته و میدانیم که پرچمی که آنها پرورش یکتیدند هیچگاه بسه  
زمین نخواهد افتاد و همزمانانش آنها را به سر منزل مقصود خواهند رساند •

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان



## ضیکارا گوته ...

.. کارگروکشاورزی را سازمان دادند . ایسندیکاها و مستقل از دولت اتلانی و در جهت دفاع از ضایع صنایع و اجتماعی کارگران شهرو روستا و برای تعمیق انقلاب اقدامات ضروری مبارزاتی از عریض نویسی و ارائه طرحهای مختلف تا تظاهرات خیابانی و اعتصاب را سازمان دادند . نقش این تشکلهادر تعمیق مبارزه درین دولت اتلانی و تقویت جناح - انقلابی در برابر بورژوازی و غیر قابل انکار است . از جانب دیگر رشد سریع عضویت در آنها نشان دهنده سیاست درست و پایسه مستحکی است که جبهه ساندینیست در میان توده های کارگران و زمینکنان ایجاد کرده است . این در حالی است که چهار سندیگای موجود دیگر در مجموع کمی بیش از ۲۵ هزار کارگرا در بر میگیرند . دو سندیگای فوق و از تکامن " کمیته های روستا " و " کمیته های کارگران " ساندینیست که پیش از انقلاب سازماندهی شده بودند بوجود آمدند . پسر بستر چنین تحولات و شکلگیری نهاد های از این دست در " پایین " و تضاد در " بالا " تشدید شد . نمایندگان بورژوازی در دولت اتلانی ، آلفونسو بریلو شامروز و علیه " مداخله دولت در امور اقتصادی و اجتماعی " موضع گرفته و دولت را ترک کرده و علیه " ترالیسا

رسم " ساندینیستها اعلامیه منتشر کردند | در اوت ۸۰ ، ساندینیستها لایحه ای دایر بر جدایی کامل کلیسا و دولت را بخصوب رساندند و واکنش سلسله مراتب کاتولیک ، پسه تهمیت از یاب مرتجع و اعلان " ارتداد " کلیه مذ هیبونی که به ساندینیسم پیوسته اند . بود . از این پس کلیسا در موضع اپوزیسیون آنتیسی ناپذیر و بی رحمت قرار گرفت .

در ژوئیه ۱۹۸۱ در میان ماران دروשהا و دشنامهای بورژوازی رانده شد ، از دولت و طرح اصلاحات ارضی به تصویب رسید . این قانون که با قانون " تعاضیها " تکمیل میشود بر مدار تجدید تقسیم اراضی و تهیه اعتبارات لازم برای تولید کنندگان روستا و بازگرداندن خانوارهای بی زمین مهاجر قرار دارد . برای اینکه طرح اصلاحات ارضی به نحوی دمکراتیک و مردمی به پیش رفته و نظارت کارگران کشاورزی و دهقانان میانه کلاطلا تامین شود ، تصمیم پسه گسترش سازماندهی آنان گرفته میشود .

" اوانک " ( اتحادیه تولید کنندگان کوچک روستایی ) در کار ۸۰۰۰ ایجاد میشود . در عرض یکسال ۷۷ هزار دهقان به عضویت آن در میآیند نیروهای انقلاب در " بالا " و " پایین " سازماندهی خود را مستحکم میکنند و دستاورد های انقلاب ضد دیکتاتوری را با تهاجم به سرمایه انحصاری تکمیل میکند . بدین ترتیب طرح بورژوازی و امپریالیسم یانکی بر ای " خنثی کردن " انقلاب با شکست رو بر و

اعلام می‌کند حاضر نیست یک نیکارا گوئه مارکیست - نینست را در حیاط خلوت آمریکا تحمل کند در مواجهه با چنین تهدیداتی و در مارس ۸۲، وضعیت اضطراری اعلام می‌شود و بسیج توده‌های برای دفاع از همین انقلابی تدارک می‌شود. کمیته‌های دفاع ملی در هر محله و شهر و روستا تشکیل می‌شود. دولت انقلاب در میان مردم انقلاب پس سلاح یخش میکند. نزدیک به پانصد هزار تن از جوانان و کارگران و زحمتکشان شهر و روستا مسلح می‌شوند و برای دفاع از انقلاب خونین زوئیه آماده می‌شوند. یکبار در گرجستان نیکارا گوئه زیر پرچم ساندینچیم سلاح بدست می‌گیرد. حمله نیروهای ضد انقلاب با ضد حمله انقلاب پاسخ گفته می‌شود. در مقابله ضد انقلابین دست به خرابکاری در واحدهای تولیدی و اقتصادی می‌زنند. انفجار مخازن نفت و سایر مواد سوختی و آتش زدن مزارع بیشکرو قهوه و کشتار روستائیان از جمله تاکتیکهای مزدوران سیا است. در این بین ارجحیت دادن به حمله به تمانیهای روستایی و متله کردن اعضای آنان و نشان دادن کینه گارد‌های سازمانیست به انقلاب و دستاورد های آن برای محرومین است. دولت انقلاب برای مقابله با تاثیرات مخرب جنگ سرریزی و خرابکاریهای ضد انقلابین ناگیر می‌شود تا طرحی برای یک اقتصاد مقاومتی را آماده کند. کالاهای اساسی جیره بندی می‌شوند و

میشود. یکسال پس از روی کار آمدن رنگان برای اصرار لیستها روشن می‌شود که امکان فروریاشی انقلاب از درین وجود ندارد. در این کشاکش صف بندی درین ساندینچیمتسانیز تمیمی می‌یابد و جناح این یا ستورا و سایر گرایشات شبیه سومیال دمکراتیک و بطرف بورژوازی لیبرال جهت گیری کرده و از مسند انقلاب خارج می‌شود. بدنیال آن استراتژی تعرض نظامی از مرزها برای روبراندازی دولت انقلابی در دستور کار امپریالیسم و ضد انقلاب سازمان یافته قرار می‌گیرد. در فوریه و مارس ۱۹۸۲ سه هزار تن از جنایتکاران گارد سابق ناموزا از هند و روس به نیکارا گوئه حمله می‌کنند. تبلیغات و جو سازی علیه انقلاب به اوج خود میرسد. سرمایه داران هند و روس از کمیسیون کیسینجر که برای بررسی اوضاع منطقه تشکیل شده در خواست می‌کنند تا برای جلوگیری از تهاجم قریب الوقوع نیکارا گوئه آمریکا مستقیماً دخالت نظامی کند. برای اینکه ساریو تکمیل شود و رولوکروز و دیگر نمایندگان سرشناس بورژوازی و ماناگوا پایتخت نامن را به نقض کشورهای همسایه و آمریکا ترک می‌کنند همه زوئیه ها برای حمله ضربتی آماده می‌شود. تبلیغات امپریالیسم حول وجود شبهه مستشاران شوروی و کویا در نیکارا گوئه و مداخله ساندینچیمتها در انقلاب السالوادور با مابد بیسابقه ای بخورد می‌گیرد. رنگان آشکارا

توزیع محصولات ضروری بطور کامل تحت کنترل کمیته های دفاع ملی قرار میگیرد. تا سر حد امکان به مقابله با واسطه گران پرداخته میشود. اما قیمت کالاها و لوکس موشک و اربالا میروند. برخی از محصولات غذایی نیز به همین سرنوشت دچار میشوند. دولت برای مقابله با انتشار ناشی از این افزایش علیرغم شرایط جنگی و حداقل دستمزدها را متعادل میسازد. افزایش کالاهای ضروری افزایش میدهد. این اقدام انقلابی و نیکاراکوئه راه علیرغم شرایط جنگی و خسارات چند صد میلیون دلاری ناشی از آن و بدل به تنها کشور آمریکای مرکزی میکند که در آن قدرت خرید طبقات محروم علیرغم بحران و تورم حفظ شده است و بدین ترتیب بار بحران نه بر دوش کارگران و زحمتکشان بلکه بر بوزاری سرشکن میشود. بوزاری و امپریالیسم و زخم خوردن از این واکنش انقلابی و تحکیم رابطه دولت انقلابی و توده انقلابی، به حملات خود می افزایند. در آوریل ۱۹۸۲ شش هزار تن ضد انقلابی از شمال و جنوب حمله میکنند و سیاه پستان نیکاراکوئه را من گداری میکند.

خود را در این زمینه بیشتر میکند. سیاست مالی جدیدی در تبال کشاورزان اعلام میشود. کل پدهی دهقانان عضو تعاونیها و شاطبق جنگزه (عضو و غیر عضو) بخشیده میشود. در سایر شاطبق این بخشش جزئی است. تحقق اصلاحات ارضی شدت بیشتری بخود میگیرد. سندیکای کارگران کشاورزی (A.T.C.) و اتحادیه تولید کنندگان خرد (اواک) در "شورای ملی اصلاحات ارضی" شرکت فعال کرده و در تمام سطوح تصمیم گیری و اجراء دخالت مستقیم میکنند و شبکه داخلی تولید و توزیع محصولات کشاورزی تحت نظر کمیته مشترکی از وزارت بازرگانی داخلی و اتحادیه مذکور قرار میگیرد. ضربه دیگری به نقش طفیلی واسطه گری وارد میشود. انواع تعاونیهای خدمات و اعتبار و تعاونی کار و تعاونی تولید در شهر و روستا بویژه در روستا توسط سندیکاها سازماندهی میشوند. بدین ترتیب سیاست سازماندهی توده ها و حرکت در جهت بهبود شرایط کار و زندگی آنان علیرغم شرایط فوق العاده پیش برده میشود.

در ژوئیه ۱۹۸۲ و تأسیس احزاب به

تصویب میرسد. طبق ماده دوم این قانون

مورگ بر امپریالیسم جهانی بسو کردگی امپریالیسم آمریکا

از این انتخابات و نتایج آن حمایت میکنند .  
 انتخابات ریاست جمهوری مهر تا ثید انتخابات  
 نیکاراگوئه است . مردم نیکاراگوئه نشان میدهند  
 که حاضرند در تمام جبهه ها از نبرد مسلحانه  
 با ضد انقلابین تا باز سازی اقتصاد و ترمیم  
 خرابی های ناشی از حملات ضد انقلابیون  
 بچنگد و پیروز از میدان بدر آیند . کافیست  
 تا آنچه خلق نیکاراگوئه در مدت ۵ سال در  
 همه زمینه ها از اصلاحات ارضی و سواد  
 آموزی و بهداشت رایگان ، تا کنترل تجارت  
 داخلی و خارجی و افزایش سطح زندگی  
 توده های محروم انجام داده است را بسا  
 خرابکاری که جمهوری اسلامی در همین مدت  
 کرده است مقایسه کرد تا به تفاوت میان  
 خلاقیت يك انقلاب مردمی و تعمیق گام به گام  
 آن با شرکت مستقیم توده ای کارگر و دهقان  
 و انحطاط يك انقلاب بدست ضد انقلاب مذموم  
 که بنام انقلاب به سرکوب آن همت گدازده است  
 روشن شود . بسعد از کوبا ، نیکاراگوئه ، چراغ  
 راهنمای خلقهای تحت ستم آمریکای لاتین  
 شده است . از همین جاست کینه بی امان  
 امپریالیسم و بورژوازی ضطقه به آن ، بگذارد  
 بورژوازی ژاز خای کد و صدها کمونیست و  
 انقلابی رزفده را در میدانهای نبرد از پای  
 در آورد . طبقه کارگر و زحمتکشان نیکاراگوئه  
 راه دنوار به سوی سوسیالیسم را خواهند  
 پیمود . این را تجربه ۵ سال اخیر نطلب میهد  
 ( به نقل از " راه کارگر " ارگان سیاسی سازمان - ۱۲ )

حق هر حزب در اینکه برای کسب قدرت  
 سیاسی تلاش و سازماندهی کند به رسمیت  
 شناخته میشود . تنها و تنها احزاب و دستجات  
 ساموزیست که طرفدار بازگرداندن رژیم پیش  
 اگ انقلاب رژیمه هستند از این حق محروم  
 شناخته میشوند . بدین ترتیب سکراس در  
 میان همه نیروهای طرفدار انقلاب و پیشرفت  
 رعایت میشود . در چهارچوب همین تائسون  
 است که تصمیم به برگزاری انتخابات گرفته  
 میشود . علاوه بر جبهه ساندیست و هفت  
 حزب دیگر در انتخابات ریاست جمهوری  
 شرکت میکنند . نمایندگان بورژوازی که در  
 " هماهنگی دمکراتیک " تجمع کرده اند ، شرکت  
 خود را مشروط به شرکت نیروهای ساموزیست  
 میکنند و در مقابل مقاومت ساندیستها در  
 پراپراین نقش آنتار اساسی ترین دستاورد  
 انقلاب رژیمه ، یکبار دیگر با حمله بس  
 " تنالیترسیم " انقلابیین ، انتخابات را پایکوت  
 میکنند و به تبلیغات سرسام آوری علیه  
 انتخابات میرد از داما علیرقم تمامی این  
 تلاشها ، انتخابات تحت نظارت يك هیئت  
 بین المللی و بدین گزارش حتی يك نمونه  
 جعل و تخلف برگزار میشود . دانیل اورنگا  
 به ریاست جمهوری انتخاب میشود . برگزاری  
 این انتخابات و پیروزی کاندیدای ساندیست  
 نیستها یکبار دیگر نقش هژمونیک جبهه  
 ساندیست در نیکاراگوئه را یادآوری میکند .  
 اردوگاه سوسیالیست و تمام نیروهای مترقی

# اخباری از جنبش کارگری و توده‌ای سراسری

به نقل از نشریه "راه کارگر" ارگان سیاسی سازمان شماره ۱۴

کردن اینکه کارخانه ژیراتور مستقل دارد جواب کارفرما داده بدین ترتیب رای دهنده سرانجام بدین ترتیب به کارگران قول میدهد که کمی حق افزایشش تولید را در سه ماهه بعدی جبران خواهد کرد و از رئیس حسابداری خواست که حق کارگران را محاسبه نمایند و بدین ترتیب کارگران بسه سرکار خود بازگشتند.

## حسرت اعتراضی کارگران کارخانه ارج

کارخانه ارج که یکی از قدیمی‌ترین کارخانه‌هاست و اکنون باتندیک به ۲ هزار کارگر تحت نظارت سازمان صنایع ملی کاری کند و در شهریور ماه سال گذشته ۲ خط تولید این کارخانه یعنی خط منتاز بخاری گازی و لباس شویی و اختصاصاً به سباه برای ساختن سپیل

انتصاب ۱ ساعت کارگران  
کاهش ملبسی

در روز چهارشنبه ۶۴/۱۲/۸ حق افزایش سه ماهه سوم کارگران کاهش ملبسی را پرداخت می‌نمایند. کارگران به محض دیدن لیست منوعه می‌شنوند که حق افزایش نسبت به سه ماهه دوم کمتر و حق افزایش سه ماهه دوم نسبت به سه ماهه اول کمتر می‌باشد. این مساله باعث میشود که کارگران شیفت صبح که حدود ۱۰۰۰ نفر می‌باشند از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ بعد از ظهر دست از کار بکشند. انتصاب کارگران و مدیریت عوامل کارفرما را به تکاپو می‌اندازد. آنها ابتدا مطرح می‌کنند که این امر بخاطر محاسبه وزارت کار بوده و سپس بهانه قطعی برق و اینکه افزایش تولید مثل گذشته نبود و مطرح می‌سازند که کارگران با مطرح

نسخه دیگر را برای مه بیت ارسال می دارند. همزمان باطوار نویسی و شمار نویسی علیه رژیم در قسمتهای مختلف کارخانه شروع میشود تا تاریخ ۱۵/۱۲/۶۳ کارخانه همچنان در این وضعیت بسر میرد و تاکنون پاسخی از مه بیت دریافت نشده است و کارخانه آبستن حرکات نویسی است.

### بیماران دولت آباد و ولاکش مردم

شب هفتم فروردین در ساعت ۴/۰ آذیر خطر از راد یو بیخ می شود و بدین آنکه برق شهر را قطع نمایند و بدنبال آن صدای ضد هوا می پاشند می شود آن شب حتی از شبهای قبل هم بدافند کتری صورت گرفت و در جنوب شهر به هیچ وجه بدافندی رخ نداد و هوا بجا های عراقی به راحتی توانستند ۴ راکت یا بمب با قدرت تخریب زیاد بر آبارتمان های دولت آباد بین فلکدوم و سیم فروریزند. بر آتراین بحاران، چهار آبارتمان طبقه بالا خان یکسان شده و بدین ترتیب بهتر از ۲ خانواد و زیر آوار جان سپردند. شدت انفجار بعدی بود که شیشه های منازل و آبارتمانهای اطراف را تا فاصله زیاد درهم شکسته شد و پنجره ها و درها از جا کنده شدند. غریب های مردم زحمتکش از هر طرف بلند شد و لسی هیچکس نمیتوانست چه باید بکند! مردم برای نجات کسانی که زیر آوار ماند بودند و نیز

برای جبهه ها توار داده شد. تعدادی از کارگران نیز بهمن نظیر به ساختن پل مشغول هستند. این مساله باعث شده که در ماه دوم سال ۶۳ به کارگران یاد این افزایش تولید داده نشود. کارگران که مخالف جنگ ارتجاعی ایران و عراق هستند طریقی می نمایند که چسرا باید پول و انرژی ماصرین ساختن پل برای کشتار فرزندان انسان گردد، و همچنین مگر سپاه پاسداران بر وجه ندارد که نخواهند پرسول پلها را برداخت نمایند و بنا بر این حق افزایش تولید را بنا برداخت نمایند. زوزه اعتراضی بقتل ریح. شکل میگیرد و سرانجام در تاریخ سه شنبه ۱۶/۱۳/۶۳ اولین جرقه را خط موتماز یخچال میزند و کم کاری را شروع میکند. در سطح کارخانه شایع می شود که خط موتماز یخچال اعتصاب کرده است. بدنبال این عمل انقلابی و خط یخچال روز بعد طوباری بسه مه بیت نوشته و خواستار پرداخت پاسا دای افزایش تولید ۶ ماهه دوم سال ۶۳ میشوند. کلید کارگران شیفیت ۱ آنرا امضاء میکند و به دنبال آن شیفیت ۲ خط یخچال و سپس به دنبال آنها بقیه خط ها و در هفته بعد تمام قسمتها و کارگاههای دیگر اعلام هیبتتگی می نمایند بطوریکه تعداد طوبارها به ۵۲ عدد میرسد (هر شیفیت طوبار مخصوص بسخورد را می نویسد) و خواستار روشن شدن وضع حق افزایش تولید میشوند. کارگران یک نسخه از طوبارها را در تابلوگاهی کارخانه میزند و

نقطه کجا بوده است و اما مردم تهران از همان  
 اوایل صبح میدانستند که یکی از آن نقاط  
 دولت آباد بوده است و همه میدانستند که  
 تعداد کشته ها خیلی بیش از آنست که رژیم  
 ادعا کرده است. سیل جمعیت از صبح هشتم  
 فروردین بسمت دولت آباد سرازیر شد بطوریکه  
 از میدان شوش به بعد و چنان راه بندانی  
 بوجود آمد که ماشینها قدم به قدم حرکت  
 میکردند و مردم اکثراً پیاده این مسیر را  
 میپیمودند. اتوبان بسمت جاده شهرری  
 و دولت آباد راه بندان و طول از جمعیت بود.  
 داخل ورودی شهرک دولت آباد توسط پلیس  
 وسپاه بسته شده بود و از ورود اتومبیلها جلو  
 گیری میشد و بنابراین تا اتوبان بسمت در  
 مسیر جاده دولت آباد اتومبیلها لایتنطع پارک  
 کرده بودند. بدین استثناء تمامی مردمی که  
 در محل حادثه حاضر یافته بودند به جنس  
 اعتراض و خواهان توقف جنگ بودند و با این  
 اعتراض خود را در جمع های چند نفره عنوان  
 میکردند. مردم دولت آباد حادثه را برای  
 مردمی که برای بازدید آمده بودند و توضیح  
 میدادند و مردم را بسمت خرابیها راهنمایی  
 میکردند. مردم دولت آباد میگفتند که چگونه  
 بی دفاع مانده بودند و هیچگونه پدانشدنی  
 صورت نگرفته بود. مردم گروه گروه حلقه  
 زدند و بلند و جاسرمان رژیم بهر طرف  
 میدویدند تا حضور محوس خود را به مردم نشان  
 دهند.

ببین آوردن اجساد می شناختند. - بسیاری  
 از مردم را همان نقطه بر اثر موج انفجار حالت  
 پیهوشی و منگ شده داشتند. اما مگر با دست  
 خالی میشد آژان. طبقه ساختمان را برداشت  
 بعد از حدود سه ربع گروه امداد رسید و البته  
 قبل از آنها پاسداران جنایتکار برای جلو  
 گیری از اعتراضات مردم خود را به محل رسانده  
 بودند. گروههای بی شماری از مردم از اطراف  
 محل و یا حتی از محل های نسبتاً دور با موتور  
 و ماشین به دولت آباد سرازیر شدند و یسر  
 خلاف تبلیغات رژیم حکومتیان و هیچ  
 حزب الهی جرات نکرد شمار جنگ و جنگ  
 و تایمیزی سردمدار!

مردمی که تجمع کرده بودند به صورت  
 پراکنده و لکن گسترده اعتراضات خود را علیه  
 رژیم جنگ طلب ابراز می داشتند. مردم  
 میگفتند " ما جنگ نمیخواهیم " و " يك مشت  
 د بیارنه به جان هم اعتماد هاند " و " این جنگ  
 بجز ویرانی برای ما چیزی دیگری ندارد " و  
 تا عصر هشتم فروردین هنوز کار آژان بر  
 - داری به پایان نرسیده بود. از صبح هشتم  
 فروردین شهر تهران حالت يك شهر رانداعت  
 و در دست مثل روزه های قیام مردم بسیاری در  
 خیابانها پسر میبردند و عدد زیادی نیز در  
 تلاش بودند تا به نحوی از شهر بگریزند. رژیم  
 اعلام کرد که آن نقطه مسکونی تهران شیب  
 گذشته بهاران شده و ۱۶ نفر شهید و تعداد  
 مجروح شده اند و اما مشخص نکرد که این ۱

بود هاند که رژیم از گفن ضاطق بمباران ه خسارات مالی و تلفات جانی بمباران هاطور واقعی خودداری کرد ه و غالباً به دروغ در صد ناچیز جلوه دادن آن بری آید .

۲ - مردم خرد سربا آنچه را که رژیم از گفن آن هراس دارد بهمد یگر مشتقل میسازد و با شایعه پراکی و تبلیغ اخباری که به نوعی ضعف رژیم را نشان می دهد ه با سانسور رژیم مقابله می نمایند .

۳ - به شوخی و مسخره گرفتن اقدامات و "اعلام خطر" های رژیم بهنگام بمبارانها .  
۴ - اعتراض مردم نسبت به عدم پداندن هوایی ضاطق جنوب شهر . رژیم با اختصاص دادن پداندن هوایی در جهت حفاظت از جماران و ضاطق شمالی شهر ه ضاطق جنوبی شهر تهران ناقد پداندن هوایی می باشد .  
پهنگام بمباران ضاطق دولت آباد ه سیزده آبان ه کیانشهر و شهرک مشیری پداندن صورت نگرفت . مردم بر ضعف رژیم انگست گذاشته و آنرا بصورت رژیم می کوشند .

۵ - پهنگام بمباران ه وحشت مردم از یکسو و همدردی و کک آنها با مردم ضاطق بمباران شده ه از سوی دیگر .

۶ - کشر پلیسی و نظامی ضاطق بمباران

مردم تهران و بمباران های

هسر شب

در شرایطی که شعله های آتش جنگ خانانوسر بیش از سر زمان دیگر و بوضوح تمام در سراسر ایران گسترده شده ه و بمباران شهرها همچین طلعین هر روزه و هر ساعت برانیا ن تازه ای از میان مردم رنج دیده ه این سرزمین می گیرد ه در شرایطی که خانه و کاشانه خاتواد ه زحمکشان مبدل به تلی از خاک شده

و به بیانی صریحه ه خشم و نفرت مردم تهران نیز نسبت به جنگ و رژیم جنگ طلب بیش از عزما دیگر شراک گشده است . بطوریکه در مواقع بمبارانهای هوایی با هر زمان دیگره حتی طرفداران شمار "جنگ ه جنگ ه تا پیروزی" جرات ابراز وجود ندارند . هر چند کدر تهران حرکتهای ضد جنگ بصورت سازمان یافته و متمرکز وجود نداشته - حداقل تا په امروز ( ۱۰ / ۱۱ / ۶۴ ) اما زمینه های چنین حرکتی کاملاً مشهوره است - نکات زیر وجه مشخصه اوضاع تهران را بدنیال بمبارانهای اخیر ضمکس می نمایند :

۱ - بی احتیادی مطلق مردم نسبت به اخبار ارائه شده ه توسل رادیو و تلویزیون و مطبوعات حکومتی . مردم به دفعات شاهد

پیش بسوی سازماندهی تشکلهای توده ای



شده از جانب رژیم تا هرگونه اعتراض ضد  
جنگ را سرکوب نماید . در مواقعی که  
بباران صورت می گیرد ، سرماگشتیهای  
تارالله و کمیته و دیگر نیروهای سرکوبگر  
در محل حاضری شوند .  
۷ - مردم بدلیل بی دفاع ماندن و  
اعتراض به رژیم ، از روز سوم فروردین شروع  
به تخلیه شهر نمودند .

در رابطه با پیمازانهای اخیر ک . ن . ج ( تهران ) سازمان ما اقدام  
به انتشار اعلامیه ای نموده که متن آن بدین شرح است :

(( سرگ پر جنگ - زنده باد صلح - زنده باد انقلاب ))

کارگران و زحمتکشان مبارز ایران .

مردم قهرمان تهران .

در شرایطی پرمیسم که آتش جنگ خانمانسوز رژیمهای ضد مردمی ایران و عراق بیش از  
سر زمان دیگر خانه و کاشانه و جان عزیزترین کسانمان را در خود فرو میکشد و در کارگزارانی و  
فلاکت و بیکاری که شیر، جان مردم ما را ذره ذره میکشد هر روز و هر ساعت ما را همچون طاعون  
تهدید میکند .

رژیم جمهوری اسلامی با برنامه ریزی بلند مدت و اختصاص سهم عظیمی از بودجه مملکت که  
حاصل دستنچ کارگران و زحمتکشان است و بایستی در جهت بهبود زندگی آنها بکار گرفته  
شود به این جنگ ضد انسانی ادامه میدهد تنها مقاومت یکپارچه زحمتکشان انقلابی است که  
میتواند آتش این جنگ را خاموش نماید . بلندگوهای دروغ بگراکن جمهوری اسلامی هیچگاه اخبار  
به بارانها و تعداد قربانیان حادثه را بدروستی بد مردم نمی گوید بنا براین مردم ما بایستی ؛  
۱ - با انتشار اخبار درست به بارانها و تعداد قربانیان حادثه دروغ بگراکی های رژیم را  
خوشی نمایند .

۲ - مردمیکه در نزدیکی محل به باران شده هستند برای نجات مجروحین با مخالفت عناصر  
سرکوبگر رژیم ( کمیته و سپاه ) روبرو میشوند که بایستی با مقاومت و تعرض به آنها برای نجات  
مجروحین به هر وسیله اقدام نمایند .

۳ - در مواقع به باران و نیز مناطقی که به باران میشود بایستی با هرگونه شعار جنگ طلبی  
عناصر رژیم که میخواهند از جمعیت موجود برفع خود استفاده کنند شدیداً مخالفت کرده و بسا  
اعتراض به این شعارها مخالفت خود را با جنگ طلبی رژیم فقها را به نمایش بگذارند .

۴ - در مراسم تشییع جنازه قربانیان حوادث مردم بایستی با شرکت و اعتراض خود ؛

ادامه جنگ مانع از بهره برداری رژیم از این مراسم شده و عناصر جنگ طلب را افشاء و منزوی نمایند.  
۵ - رژیم جنگ طلب تنها از حاصل دستنچ کارگران قهرمان میهنان سوء استفاده نموده و از آن برای رسیدن به اهداف پلید خود در جهت نابودی خانه و کاشانه خود کارگران استفاده میکند.

مقاومت و اعتراض تشکل کارگران علیه ادامه جنگ نقش تعیین کننده ای در انجام مقاومت مردم ما در برابر جنگ طلبان دارد.

۶ - کارگران قهرمان میهنان که در صف مقدم جنبش مقاومت در برابر رژیم فقها قرار دارند در مواقع حلات هوایی اعتراض خود به این جنگ ارتجاعی را میتوانند بشکل تعطیل کار و مراجعت به خانه بقصد مطلع شدن از وضعیت خانواده نشان دهند.  
کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز تهران  
اعتراضات خود به این جنگ ارتجاعی را می توان با انتشار شعارهای زیر به گسترده ترین وجه نشان داد.

- بگو مرگ بر جنگ
- مرگ بر جنگ - زنده باد صلح - زنده باد انقلاب
- نان صلح آزادی - حکومت جمهوری
- ناپود باد حکومت ضد مردمی و ارتجاعی جمهوری اسلامی
- برتران باد حکومت شورایی به رهبری طبقه کارگر

سازمان کارگران انقلابی ایران

ک - ن - ج - (تهران)

۶۴/۱/۱۴

### تصحیح و بوزش

در شماره ۲۲ نشریه ریگای کریکار، صفحه ۶۲۴، ستون دوم، سطر ششم پاراگرافی که با "کومه له" فکر میکند که پس از ۱۰۰۰ آغاز میشود، اشتباه گذشته از جای اصلی خود در متن و در پایان مقاله نیز تائید شده است. بدینوسیله این اشتباه را تصحیح نموده و از خوانندگان عزیز بوزش می طلبیم.

## پاسخ به نامه‌ها

کاک محمود ساک و در پاسخ به سؤال اولتان که پرسیده‌اید: "نظرتان در مورد ائتلاف و ایجاد جبهه بین نیروهای سیاسی چیست و شما چه سئوالات را دنبال می‌کنید؟" باید بگویم که بحث حول این مسئله در جنبش امروز ما از سابقه طولانی برخوردار است و همانطور که خودتان نیز اشاره کرده‌اید، این موضوع در عین حال یکی از مشکلات و نقاط ضعف اپوزیسیون انقلابی ایران است. ما تا کنون در تشریحات مختلف این مبحث را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده و نظرات و پیشنهادات خود را در این زمینه اعلام داشته‌ایم. ما مشخصاً در تشریح راه کارگر تئوریک<sup>۱</sup> که در سال ۶۲ انتشار یافت، و پروشش نقد خود را از شورای ملی مقاومت و سیاستهای انحرافی نیروهای سیاسی در برخورد به مسئله ائتلاف و همکاری و نقطه نظرات خود را در این زمینه تشریح کرده‌ایم. ما از ابتدا بر ضرورت عینیتی ائتلاف و همکاری بین نیروهای سیاسی انقلابی در این مرحله از پیشرفت مبارزات توده‌های در میهنان تأکید ورزیده و خود را نیز عملاً در این جهت گامهای عملی بسیاری برداشته‌ایم. منتها از دیدگاه ما آنچه که از سوی نیروهای دیگر تعقیب میشود، یعنی

تسهلاتی که برای اصل بدیهی کافی نبوده و نیست. چنانکه تا کنون نیز عملاً شاهد بسی نتیجه بودن تکرار مکرر این ادعا از سوی نیروهای متفاوت درین اپوزیسیون<sup>اسلامی</sup> هستیم. چرا که در شرایط فعلی یا توجه به در پیش گرفتن سیاستهای انحرافی از سوی همین نیروها تحقق آن به امری بعید بدل شده است. مشخصاً برخی از جریانهای سیاسی در سیستم فکری خود جایگاهی برای همکاری و سیاست اشتراکی قائل نبوده و برخی دیگر با شرط و کردن عملی آن به پذیرش سیاستها و برنامه‌هایشان از سوی نیروهای دیگر و عدم وفاداری عمیق خود را به تلاش برای تأمین ضروریتهای این هدف عیان میکنند.

مشکل فعلی نیروهای اپوزیسیون مشروطی در درجه اول و مقدم بر عدم وجود یک جبهه انقلابی وسیع برای مبارزه با جمهوری اسلامی فراهم آوردن زمینه‌های ائتلاف در سطح همکاری و اتحاد عمل است. فراهم آوردن زمینه این امر چه بلحاظ تئوری و تثبیت و تعمیق آن در جنبش و چه در سطح بیگیری عملی و وفاداری بدان، و حلقه مقدم تلاش برای ایجاد جبهه وسیع انقلابی است. مشکل اپوزیسیون انقلابی در مقطع کنونی پراکندگی شدید و فزاینده آن و آن تخاصات عمیق و فزاینده بین نیروهای سیاسی است. بطور مشخص در دور اخیر، و سرآمدن حیات شورای ملی مقاومت و آغاز درگیریهای سراسری بین حزب دمکرات و کومله.

شرایط فعلی متناسب با عواملی که فوقاً بدان  
ها اشاره شد میتواند صورت عملی به خود  
بگیرد و در عین حال راه را برای برداشتن  
قدمهای بزرگتر بگشاید. در نتیجه سیاست  
ما در شرایط فعلی و آمادگی برای پذیرش  
وتلاش برای هرگونه همکاری و اتحاد عمل  
با تمامی نیروهای انقلابی و در عین حال و  
پهنای جنبی لاینفک از آن برخوردار با مواضع  
تامین و دستیابی به این هدف که ناشی از  
سیاستهای انحرافی مرسوم در بین نیروهای  
سیاسی است، میباید.

در خاتمه برای اطلاع عمومی و بیشتر در  
در این زمینه، شما را به مطالعه نشریه  
"راه کارگر تئوریک" دعوت می‌کنم.

در مورد سؤال دوستان که پرسیده‌اند  
"نظرتان در مورد سیاستهای اخیر مجاهدین  
خلق چیست و آنها چگونه بینید؟" جواب  
ما اینست که همانطور که خودتان نیز حتماً  
مطلع هستید ما از ابتدای وارد شدن مجاهد  
ین به "ناز" سرنگونی و تشکیل شورای ملی  
مقاومت و بطور مستمر نظراتمان را در نقد و  
پرخورد به سیاستها و تاکتیکهای مجاهدین  
در سطح جنبش طرح کرده‌ایم. اکنون نیز  
در پاسخ شما ضمن اشاره‌ای مختصر به  
آنها، ارزیابی خود را در مورد تحولات اخیر  
در سیاستهای مجاهدین برایتان تشریح  
خواهم کرد. مقدمتاً باید بگویم که ما زیر  
بنای شکر مجاهدین را بر سهنای ترکیب و

و عزمیت یا تن بر خورد های سکتاریستی و ...  
در سطح روابطی ما بین نیروهای دیگر بمنزله  
نمای از حرکت ایوزسین، و پخوی بیانگرایین  
است که نیروهای سیاسی نه تنها نتوانسته‌اند  
در جهت تحکیم و گسترش روابط و فراهم آوردن  
زیبده های همکاری میان خود قدمی بردارند  
بلکه عملاً فضای نامساعدتری را برای تمقیب  
چنین هدفی ایجاد کرده‌اند. در یکی دو  
ساله گذشته صریحاً از موارد همکاری های  
عملی و موردی که بین ما و برخی از نیروهای  
سیاسی دیگر صورت عمل بخود گرفت و آنبر  
و نشان دیگری از همکاری های عملی و حتمی  
فضای تنگم و دوستی به چشم نیخورد و  
عموماً این فضای تخام و دفع بود که بر  
روابط نیروهای سیاسی حاکم بوده است. از  
نظر ما در چنین شرایطی طرح اصولی ایجاد  
جبهه - پیشبرد امر انقلاب و همکاری در سطح  
جبهه - از طریق تلاش برای مقدمات ناگزیر  
آن، یعنی تلاش برای ایجاد فضای مناسب  
در روابط نیروها و سازاندهی اقدامات عملی  
و اتحاد عملهای موردی میتواند هدفمند  
باشد. تلاش در راستای همکاری و برخورد  
اصولی با سیاست ائتلافی جزو اساسی ترین  
مسائلی است که باید بدان پرداخت و لسی  
ائتلافی از دیدگاه ما تنها به ایجاد جبهه  
محدود نمیشود، بلکه اتحاد عمل و همکاری  
های موردی نیز قدمی از این راه طولانی و  
اصولاً ناگزیر ایوزسین شرقی است که در

و حیات سه گزایش را لیبیا ایسم نه منته گزایشی  
 مذمبی در انکوتیسم ترفیح میاد هم . از نظر  
 ما گرن هر یک این عناصر بخشاً متضاد در  
 سازمان مجاهدین حاصل و نتیجه ترکیب  
 طبقاتی و پیرویه تحولات این سازمان در برخورد  
 به رشد مبارزه طبقاتی است . مشخصاً در هر  
 شرایطی ، رابطه ای مشخص بین این سه وجه  
 سیاست مجاهدین را تعیین مینماید . در  
 عین حال از گذشته ما برگسترش وحدت یابی  
 دامنه تاثیرات گرایش لیبرال تاکید کرد ، و ایسم  
 و هم از این زاویه است که ما تغییرات اخیر  
 مجاهدین را مسلماً نه بعنوان امری تصادفی  
 بلکه نتیجه تمسید و ادامه همان روند میدانیم  
 اما در دور گذشته سازمان مجاهدین ، در  
 برخورد به مسائل گوناگون و برجسته تر از همه  
 در برخورد به معضلات و ناتوانیهای درونی  
 اش مواضعی اتخاذ نموده که بهترین عرصه  
 برای بررسی روند حرکت این سازمان است .  
 یکی از این عرصه ها نه تفتیب پیش از پیمیش  
 سیاستهای سکانرستی و گروه ددارانه بعنوان  
 مضمی و جوهره سیاست ابتدائی این سازمان  
 بود . سازمان مجاهدین از ابتدا به اعتبار  
 پشتوانه قدرتمند سکانرسم و تفریق گروهی در  
 این نولژی و پرنسپل اش ، همواره کوشیده

است قدرت حاکم خود را نه از طریق اشتراک  
 بر اساس ضامع مشترک طبقاتی در دور های  
 معین بلکه صرفاً بر مبنای قیم ما بی برای تنای  
 اقتدار و طبقات و نیز بر اساس مطلق سازی  
 ویژه خود در موازنه نیروی سازمانها ی  
 سیاسی ایوزیسین صورت دهد . مجاهدین  
 در این دوره نیز در همین راستا شرایط  
 نابودی و تلاشی شوای ملی مقاومت را فراهم  
 کرد .

سازمان مجاهدین در دور اخیر و پس  
 از پایان فاز بکارگیری تاکتیک ضربتی برای  
 سرنگونی و تدوین سیاست " انتظار سرنگ  
 خمیتی " برای سرنگونی رژیم ، در عین حال  
 تلاشی تشکیلاتی در داخل کشور و ریزش  
 وسیع حیات و هیا خواصی توده ای از آنها  
 وی اعتباری در بین نیروهای انقلابی و شکست  
 سیاستهای ابتدائی اش ، در این راستا قرار  
 دارد که با حفظ نیروی خود و در عین حال  
 قبولاندن خود بعنوان تنها نیروی ایوزیسین  
 خود ؛! برای قبضه قدرت آماده نگهدارد . هر  
 همین مبنات که پس از شکستهای پیاپی که  
 فوقاً نیز دید آنها اشاره شده آنچه که برای  
 مجاهدین جزیره فاز جدید را تشکیل میدهد ،  
 فراهم آوردن آمادگی درونی و بیرونی برای



پیشش بسوی سازماندهی مژموونی طبقه کارگر

تأمین این هدف - حفظ خود و بلا مانع نشان دادن رهبری خود - دست به تراشیدن ناز نویی میزند. انقلاب ایدئولوژیک به هیچ عنوان محدود به امر خصوصی رهبری مجاهدین و یا مسئله ای صرفاً درین تشکیلاتی نیست. انقلاب ایدئولوژیک مجموعه منظم و برنامه ریزی شده ای است. سیاستی که در وجه درونی مدتش در عین سر سامان دادن به ناهماهنگیهای حاصل از نکستهای بیابسی، در راستای پالایش صفوف خود از عناصر و پخشهای از بدنه سازبان است که نتوانند این حرکت و تحول را درک کرده - بپذیرند - و در واقع نخواهند با تله وجود، کورکورانه، و بی چون و چرا کردن به رهبری توحیدی و پیغمبر گزیده رجوی بگذارند. چرا که مجاهدین در انتظار مرگ خمینی، احتیاجی به تشکیلاتی وسیع، سازماندهی و رهبری بوده، و امر فعالیت انقلابی ندارد. وجه دم این سیاست مربوط به تقاضات و درگیریهای مجاهدین با فضای خارج این سازمان است. در این رابطه نیز اساس حرکت مجاهدین در راستای شیوه تفکر آنها، در واقع تلاش برای از پیش برای مطلق سازی خود به هوان تنها نیروی ایروسیون است! این تلاش مجاهدین به اشکال مختلف خود را می نمایاند.

که در واقع بیان ساده آن اینست که از نظر مجاهدین مسئله اصلی مرگ بر خمینی است و "مرگ بر خمینی" عیناً و مطلقاً یعنی "درود بر رجوی و بانو" هر نیرویی که نگوید "درود بر رجوی" - بخوان تمکین به مجاهدین - نمیتواند واقعاً بگوید مرگ بر خمینی و مخالف خمینی باشد. مصلحتاً مجاهدین در سنجش نیروهای سیاسی و فراتر از آن اتخاذ موضع در مقابل هر نیروی طبقه و پدیده ای و تنها محدود به نظر آن نیرو نسبت به مجاهدین و بزبانی دیگر حد تمکین و اتوریته پذیری آن نیرو از مجاهدین است. در ادامه همین سیاست است که مجاهدین حتی در مخالفت با نیروهای ایروسیون بورژوازی نیز تنها هدنی که تعقیب میکنند، معرفی خود بعنوان تنها نیروی قابل اتکا برای سرنگونی و جایگزینی خمینی است. تلاطمهای مجاهدین برای کسب اعتبار و حمایت بین محافل غربی عمدتاً در خدمت معرفی خود بعنوان نیرویی است که میتواند نشکی به قدرتی توان ارجح و مثلاً نسبت به جناحهای سلطنت طلب و یا مخالفین درونی حکومت، امر سرنگونی خمینی و اداره ایران را - که مسلماً بدون ایچا - مخالفت و درگیری با امپریالیسم خواهد بود - بهتر به انجام برساند.

پهر صورت آنچه که فشرده گفته شد مجموعه ای است از سیاستهای مجاهدین که براحتی میتوان نمودهای رشد بوروکراتیک

در پیش در حد نیکوکاری کامل تشکلاتی و  
 رهبری قومی و توحیدی را در عرصه درونی و  
 شدت یابی و تغییر کیفی در مواضع خصمانه  
 و ضدیت با نیروهای انقلابی و تاکید یکجانبه  
 و گسترش روابط با محافل و جریان‌های پرتالیستی  
 در راستای تامین رهبری پلان‌های این پیشروی  
 در این زمینه حتی در سطح جلب اطمینان  
 ضمنی آنها را در عرصه بیرونی و در آن  
 مشاهده نمود. تمامی این جهت‌گیری‌ها و  
 چرخشها در سیاستهای مجاهدین بیانگر  
 غلبه کرایش به سمت بورژوازی و واپس‌گرایشی  
 تاریخی بر تحولات مساوات طلبانه و ترقی  
 خواهانه درین این سازمان است. این است  
 وضعیت فعلی سازمان مجاهدین و «مراشیب  
 انزوار در انتظار مرگ خمینی!»

**کسک‌های دریاغلت شماره ۵**

رفیق ح -	۱۰۰۰۰ تومان
رفیق ج	۱۲۰۰
رفیق ح	۲۰۰
سحر	۲۰۰۰
خواهر پیشمرگه	۵۰۰۰
کاوه	۵۰۰

**دوستان و رفقا!**  
 از هر طریق می‌توانید  
 کمک‌های مالی خود را به ما برسانید

**دوستان و رفقا!**  
 با ما همکار شوید

**آزادی یکی از اسرای میدان نبرد علیه جمهوری اسلامی**  
 رستم عبداللهی و سرپناز اهل بند رنگه و جمعی گروهان ۲ از گردان ۲۴۲ لشکر ۲۳ نوسه کسب در تاریخ ۱۴/۳/۲۰ در نبرد قهرمانانه فتح پایگاه تازه پلاند در منطقه بنانه به اسارت پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) درآمد. بود در تاریخ ۱۴/۴/۲۱ پس از گذراندن دوره توضیح آگاهانه و آشنائی با مسائل جنبش انقلابی از زندان آزاد گردید.

# نیکاراگوئه: انقلاب به پیش می‌رود



نیکاراگوئه بود. شورای

فرماندهی جبهه

ساندینیست‌ها متشکل از

ده تن از نمایندگان ساز-

مانهای مختلف عضو جبهه و برنامه گسترده‌ای را برای تجدید سازمان، ساختار اقتصادی کشور به نفع کارگران و زحمتکشان و ارتقاء سطح زندگی آنان اعلام کرده و پیگیرانه در هیئت دولت جهت تحقق آن کوشیدند. برای سازماندهی این اقدامات،

انقلابیین پیروز شدند به وسیله گسترده تر توده‌ای دست زدند. طرحهای گسترش شبکه بهداشت و درمان رایگان، سوادآموزی و ... تماماً با

اتکاء به شرکت فعال توده‌های انقلابی و بسا یاری دوستان انقلاب نیکاراگوئه و اردوگساره سوسیالیست و پیش از همه گویای سوسیالیست، به اجراء آراند. در این راستا، کمیته‌های

جبهه دو سندیکای بزرگ کارگری C.S.T.

( سندیکای کارگران ساندینیست) دارای ۱۱۰

هزار کارگر صنعتی عضو و A.T.C) سندیکای

کارگران کشاورزی) متشکل کنند و چهل هزار

بقیه در صفحه ۱۷ بهاء ۵۰ ریال

پیش از ۵ سال از انقلاب نیکاراگوئه میگذشت.

جنبشی که در ژوئیه ۱۹۷۹، تحت رهبری جبهه ساندینیست به پیروزی رسیده، یکی از ارکان استمرار سلطه کامل امپریالیسم آمریکا بر منطقه را از میان برداشت. تا انقلاب ژوئیه مبارزه برای سرنگونی دیکتاتوری فردی ساموزا هدف مشترک نیروهای بکلی ناهمگون و ناهمجان و از بورژوازی ضد ساموزا تا کارگران و دهقانان و را تشکیل میداد. از آن پس، در صحنه‌ی نیروهای مختلف و متخاصم تغییرات مہم رخ داده است.

بورژوازی ضد ساموزا که پس از انقلاب دارا نمایندگانی در " دولت بازسازی ملی" بوده، در برابر تعمیق انقلاب و جهت گیری ضد امپریالیستی آن به طرف مقابل سنگ انداخته شد. در دو سال

اول پس از انقلاب، نیروهای انقلابی جبهه ساندینیست که در دولت ائتلافی اکثریت داشتند، بانکها و تجارت خارجی را ملی کردند، نظام اعتبار به نفع تولیدکنندگان خرد اصلاح شد و کلیه

اموال خاندان ساموزا مصادره شد. این معنای ملی کردن بیست درصد زمینهای قابل کشت کشور و حد و نصف شرکهای بزرگ صنعتی

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر